

کتاب دانیال — شماره نود

کهلونا یومیہ راز: تنازعات اور تضادات کا ایک تاریخی جائزہ

Jeff Pippenger

2024-02-23

اگر شما در مقاله پیشین با دقت به آخرین بخش نگرسته باشید، به منبع اصلی آن عبارت که در کتاب Early Writings یافت می‌شود نظر کرده‌اید؛ همان منبعی که A. G. Daniells ادعا می‌کند در مصاحبه خود درباره موضوع «daily» با Sister White در سال 1910 آن را همراه خود برده بود. کسانی که در پی برپا داشتن آن «دروغ» بودند که «daily» نمایانگر خدمت مسیح در قدس است، نیاز داشتند تأیید مستقیم و روشن Sister White را از دیدگاه درست، که به کسانی داده شده بود که فریاد ساعت داوری را اعلام کردند، تضعیف کنند. «دروغی» که آنان ساختند این بود که تنها هشدار که Sister White در آن به طور مشخص بیان می‌کرد، هشدار تعیین وقت بود. این همان چیزی است که Arthur White در زندگی‌نامه خود می‌گوید آن را ثابت کند، و همان چیزی است که پدر او، پسر Ellen White، Daniells می‌کوشیدند به وسیله آن مصاحبه ساختگی اثبات کنند.

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، هیچ گزارشی از هیچ‌گونه گفت‌وگویی میان خواهر وایت و دنیلز درباره موضوع «قربانی دائمی» وجود ندارد. گفت‌وگوی ادعا شده در سال ۱۹۳۱ مطرح شد. اگر خواهر وایت در گفت‌وگویی در سال ۱۹۱۰ دیدگاه منحط دنیلز را درباره «قربانی دائمی» تأیید کرده بود، چرا او، کسی که خواهر وایت او را مشتاق ترویج دیدگاه خود معرفی کرده بود، تأیید او را به مدت بیست و یک سال مسکوت نگه می‌داشت؟ آن یک گفت‌وگو نبود؛ یک جعل بود.

ایجاد مصاحبه در پی آن بود که زمینه گفته‌ای او درباره «مداوم» چنان وانمود شود که گویی امری فرعی و اتفاقی در ارتباط با هشدار او بر ضد وقت‌گذاری بوده است، و آرتور وایت نیز در شیوه‌ای که تاریخ ۱۹۳۱ را عرضه کرد، اثر انگشت خود را بر این دروغ نهاد. او به عنوان یک مسیحی می‌بایست صرفاً تاریخ را گزارش می‌کرد و تجدیدنظرطلبی تاریخی را از معادله بیرون می‌گذاشت. ما مقاله پیشین را با آن بخش از سال ۱۸۵۰ به پایان بردیم که عبارت موجود در Early Writings از آن برگرفته شده است. این بیان نخست در سال ۱۸۵۰ در Review ظاهر شد، و سپس بار دیگر در کتاب Experience and Views سومین بار در کتاب Early Writings ظاهر می‌شود، اما در روند تکامل آن تا رسیدن به کتاب Early Writings تغییراتی معین رخ داد. با این همه، ما نخواهیم گفت که بسیاری از نوشته‌های روح نبوت، چنان‌که برخی در تلاش برای بی‌اعتبار ساختن کار او ادعا می‌کنند، دگرگون شده‌اند.

«خداوند به من نشان داد که نمودار 1843 به هدایت دست او تهیه شده بود، و این‌که هیچ بخشی از آن نباید دگرگون شود؛ و این‌که اعداد آن همان‌گونه بودند که او می‌خواست. این‌که دست او بر آن بود و اشتباهی را در برخی از اعداد پنهان ساخته بود، به گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دست او برداشته شد.»

vi, en relación con el "Continuo", que la palabra "sacrificio" fue añadida por la 1850» sabiduría humana, y no pertenece al texto; y que el Señor dio la comprensión correcta de ello a quienes proclamaron el clamor de la hora del juicio. Cuando existía unidad, antes de 1844, casi todos estaban unidos en la comprensión correcta del "Continuo"; pero desde 1844, en la confusión, se han adoptado otras interpretaciones, y han seguido tinieblas y confusión.» Review and Herald, 1 de noviembre de 1850»

یہ اقتباس اصل میں 1849 کی اشاعت The Present Truth میں تھا، لیکن اسے نومبر 1850 میں Review and Herald میں شائع کیا گیا۔ اصل مخطوطے میں سسٹر وائٹ پراہ راست بیان کرتی ہیں کہ وہ کئی ایسی باتیں قلم بند کر رہی ہیں جو خداوند نے ابھی حال ہی میں اُن پر ظاہر کی تھیں، اور جب آپ پورا مضمون پڑھیں گے تو آپ دیکھیں گے کہ اس میں بہت سے موضوعات پر گفتگو کی گئی ہے۔

قریباً بیس مختلف موضوعات تھے جو انہیں دکھائے گئے تھے۔ نکتہ یہ ہے کہ اصل مضمون میں "daily" کا موضوع، اور "setting" کا موضوع، اُن امور کی دو مختلف مکاشفات تھے جو انہیں دکھائے گئے تھے۔

در نسخہ خطی اصلی، این مطالب در بندهای جداگانه مشخص شده بودند. هنگامی که این بخش در Experience and Views بازچاپ شد، ویراستاران بندی را که در آن خواهر وایت از دیدگاه پیشگامان درباره «قربانی دائمی» پشتیبانی می‌کند، با بند پس از آن که نسبت به تعیین زمان هشدار می‌دهد، در هم آمیختند. هنگامی که متن اصلی را می‌خوانید، توجه داشته باشید که بر برخی موضوعات از طریق حروف بزرگ تأکید شده است. در بندی که او در آن دیدگاه پیشگامان درباره «قربانی دائمی» را تأیید می‌کند، واژه Daily را با حرف بزرگ می‌آورد، و در بند بعدی واژه Time را با حرف بزرگ می‌نویسد؛ بدین‌سان تمایزی مستقیم میان آن دو موضوعی که به او نشان داده شد، مشخص می‌سازد.

”برادران و خواهران عزیز،

»می‌خواهم طرحی کوتاه از آنچه خداوند اخیراً در رؤیا به من نشان داده است، به شما بدهم. زیبایی دل‌انگیز عیسی و محبتی را که فرشتگان به یکدیگر دارند، به من نشان داده شد. فرشته گفت: آیا محبت ایشان را نمی‌بینید؟—از آن پیروی کنید. قوم خدا نیز باید درست به همین‌گونه یکدیگر را محبت کنند. بگذارید ملامت بیشتر بر خودت وارد آید تا بر برادرت. دیدم که پیام «آنچه دارید بفروشید و صدقه بدهید»، از سوی بعضی، در روشنی آشکار آن داده نشده بود؛ و اینکه مقصود حقیقی سخنان نجات‌دهنده ما به روشنی بیان نشده بود. دیدم که مقصود از فروختن این نبود که به کسانی داده شود که قادرند کار کنند و خود را تأمین نمایند؛ بلکه برای گسترش حقیقت بود. حمایت کردن و میدان دادن به بیکاری کسانی که قادر به کار کردن‌اند، گناه است. بعضی برای حضور در همه جلسات غیرت نشان داده‌اند؛ نه برای جلال دادن به خدا، بلکه برای «نان‌ها و ماهی‌ها». بسیار بهتر بود که چنین کسانی در خانه مانده، با دست‌ان خود به کاری بپردازند، «آنچه نیکوست»، تا نیازهای خانواده‌های خود را برآورند و چیزی نیز داشته باشند تا برای پشتیبانی از امر گران‌بهای حقیقت حاضر بدهند.

ପ୍ରାର୍ଥନା ପାଇଁ ସୁସ୍ଥତା ରୋଗୀମାନଙ୍କ ସମ୍ମୁଖରେ ଅବିଶ୍ୱାସୀମାନଙ୍କ, ଦଶେଲି ପୂର୍ବ, ଲୋକଙ୍କୁ କିଛି
 5:14, 15 ଯାକୁବ ଏବଂ ହୋଇଥାଏ ରୋଗୀ କହେ ମଧୁରୁ ଆମ ଯଦି ।କରିଥିଲେ ଭୁଲ କରିବାର
 ଆମେ ତବେ, ତାକେ ପ୍ରାର୍ଥନାମାନଙ୍କୁ କଲିସିଆର ପାଇଁ କରିବା ପ୍ରାର୍ଥନା ଉପରେ ତାଙ୍କ ଅନୁସାର
 ,କରିଦେଇଥିଲେ ବାହାର କକ୍ଷରୁ ଅବିଶ୍ୱାସୀମାନଙ୍କୁ ସେ ।ଉଚିତ କରିବା ଅନୁସରଣ ଉଦାହରଣକୁ ଯାଣୁଥିଲେ
 ଆମେ ପାଇଁ ରୋଗୀମାନଙ୍କୁ ଥିବା ମଧୁରୁ ଆମ ଯବେ, ଏହିପରି; କରିଥିଲେ ସୁସ୍ଥ ରୋଗୀଙ୍କୁ ପର
 ଆମେ ରହିବାକୁ ପୃଥକ ଅବିଶ୍ୱାସରୁ ସମୋଦନଙ୍କର ନାହିଁ ବିଶ୍ୱାସ ଯମୋଦନଙ୍କର ସବେ, କରୁ ପ୍ରାର୍ଥନା
 "।ଉଚିତ କରିବା ଚଷ୍ଟା

»سپس توجهم بار دیگر به زمانی معطوف شد که عیسی شاگردان خود را به تنهایی به بالاخانه‌ای برد، و نخست پاهای ایشان را شست، و سپس از نان پاره‌شده به آنان داد تا نشانه بدن شکسته او باشد، و از عصا‌ه تاک تا نمایانگر خون ریخته او باشد. دیدم که همه باید با فهم و بصیرت رفتار کنند و در این امور از نمونه عیسی پیروی نمایند، و هنگامی که به این فرایض می‌پردازند، تا حد امکان از بی‌ایمانان جدا باشند.»

«آنگاه به من نشان داده شد که هفت بلای آخر پس از آن فرو ریخته خواهد شد که عیسی از قدس خارج شود. فرشته گفت: این غضب خدا و بره است که موجب هلاکت یا مرگ شیران می‌گردد. به صدای خدا، مقدسان نیرومند و هراس‌انگیز، همچون لشکری با بیرق‌ها، خواهند بود؛ اما در آن هنگام داوری مکتوب را اجرا نخواهند کرد. اجرای داوری در پایان هزار سال خواهد بود.»

«پس از آن که مقدسین به جاودانگی دگرگون می‌شوند، و با هم ربوده می‌گردند، و چنگ‌های خود و تاج‌ها و غیره را دریافت می‌کنند، و به شهر مقدس داخل می‌شوند، عیسی و مقدسین به داوری می‌نشینند. کتاب‌ها گشوده می‌شوند: کتاب حیات و کتاب مرگ؛ کتاب حیات اعمال نیک مقدسین را در بر دارد، و کتاب مرگ اعمال شیرانه شیران را. این کتاب‌ها با کتاب شریعت، یعنی کتاب مقدس، مقابله می‌شوند، و بر وفق آن مورد داوری قرار می‌گیرند. مقدسین در یگانگی با عیسی، داوری خود را بر مردگان شریر جاری می‌سازند. اینک! فرشته گفت، مقدسین در داوری می‌نشینند، در یگانگی با عیسی، و برای هر یک از شیران، بر حسب اعمالی که در جسم به جا آورده‌اند، حکم معین می‌کنند، و در برابر نام‌های ایشان ثبت می‌شود که در هنگام اجرای داوری چه باید دریافت کنند. من دیدم که این، کار مقدسین با عیسی در شهر مقدس بود، پیش از آن که در طی آن هزار سال به زمین فرود آید. سپس در پایان آن هزار سال، عیسی و فرشتگان و همه مقدسینی که با اویند، شهر مقدس را ترک می‌کنند، و هنگامی که او با ایشان به سوی زمین فرود می‌آید، مردگان شریر برانگیخته می‌شوند، و آنگاه همان مردانی که «او را نیزه زدند»، چون برخیزانیده شوند، او را از دور در تمامی جلالش خواهند دید، با فرشتگان و مقدسینش، و به سبب او ماتم خواهند کرد. آنان جای میخ‌ها را در دستانش و در پاهایش، و نیز جای آن را که نیزه را در پهلویش فرو کردند، خواهند دید. آثار میخ‌ها و نیزه، آنگاه جلال او خواهد بود. در پایان آن هزار سال است که عیسی بر کوه زیتون می‌ایستد، و کوه از هم شکافته می‌شود، و به صحرایی عظیم بدل می‌گردد، و آنان که در آن هنگام می‌گریزند، شیرانی هستند که به تازگی برانگیخته شده‌اند. سپس شهر مقدس فرود می‌آید و بر آن صحرا قرار می‌گیرد.»

Satanás infunde su espíritu en los impíos que han sido resucitados. Les halaga, visión" haciéndoles creer que el ejército que está en la Ciudad es pequeño, y que su ejército es grande, y que pueden vencer a los santos y tomar la Ciudad. Mientras Satanás reunía a su ejército, los santos estaban en la Ciudad, contemplando la hermosura y la gloria del Paraíso de Dios. Jesús estaba al frente de ellos, guiándolos. De pronto el precioso Salvador desapareció de entre nuestra compañía; pero pronto oímos su preciosa voz, que decía: 'Venid, benditos de mi Padre, heredad el reino preparado para vosotros desde la fundación del mundo.' Nos reunimos alrededor de Jesús, y precisamente cuando él cerró las puertas de la Ciudad, la maldición fue pronunciada sobre los impíos. Las puertas quedaron cerradas. Entonces los santos usaron sus alas y subieron a la cima del muro de la Ciudad. Jesús también estaba con ellos; su corona resplandecía, brillante y gloriosa. Era una corona dentro de otra corona, siete en número. Las coronas de los santos eran de oro purísimo, adornadas con estrellas. Sus rostros resplandecían de gloria, porque estaban en la imagen misma de Jesús; y cuando se levantaron y se movieron todos juntos hacia la parte alta de la Ciudad, quedé extasiada ante la visión"

«پس شیران آنچه را از دست داده بودند دیدند؛ و آتشی از جانب خدا بر ایشان دمیده شد و آنان را فروبلعید. این، اجرای داوری بود. آنگاه شیران بر حسب آنچه مقدسان در هماهنگی با عیسی در طی آن 1000 سال برای ایشان اندازه کرده بودند، جزا یافتند. همان آتشی که از جانب خدا شیران را فروبلعید، تمامی زمین را نیز پاک ساخت. کوه‌های شکسته و ژنده در حرارت سوزان گداخته

شدند، جو نیز، و همه کاه و خاشاک سوخته شد. سپس میراث ما در برابر ما گشوده شد، پرچال و زیبا، و ما تمامی زمین نو ساخته شده را به میراث گرفتیم. همه ما با آواز بلند فریاد زدیم: جلال، هلولیا.»

«من نیز دیدم که شبانان باید پیش از آنکه هر نکته تازه و مهمی را که گمان می‌برند کتاب مقدس آن را تأیید می‌کند مطرح و تبلیغ کنند، با کسانی مشورت نمایند که دلیلی دارند به آنان اعتماد داشته باشند، با کسانی که در تمامی پیام‌ها حاضر بوده‌اند و در سراسر حقیقت حاضر استوارند. آنگاه شبانان کاملاً متحد خواهند بود، و اتحاد شبانان از سوی کلیسا احساس خواهد شد. دیدم که چنین روشی از تفرقه‌های اندوه‌بار جلوگیری خواهد کرد، و در آن صورت دیگر خطری نخواهد بود که گله گران بها تقسیم شود و گوسفندان، بی‌شبان، پراکنده گردند.»

«در ۲۳ سپتامبر، خداوند به من نشان داد که او برای بار دوم دست خود را دراز کرده است تا بقیه قوم خویش را باز آورد، و اینکه در این زمان جمع‌آوری باید کوشش‌ها دوچندان گردد. در زمان پراکندگی، اسرائیل مضروب و دریده شد؛ اما اکنون در زمان جمع‌آوری، خدا قوم خویش را شفا خواهد داد و زخم‌های ایشان را خواهد بست. در زمان پراکندگی، تلاش‌هایی که برای انتشار حقیقت انجام می‌شد، تأثیر اندکی داشت و اندک یا هیچ ثمری به بار می‌آورد؛ اما در زمان جمع‌آوری، هنگامی که خدا دست خود را برای گرد آوردن قوم خویش نهاده است، تلاش‌ها برای انتشار حقیقت اثر مقصود خود را خواهند داشت. همه باید در این کار متحد و غیور باشند. دیدم که برای هر کسی مایه شرم است که برای هدایت ما اکنون در این زمان جمع‌آوری، به زمان پراکندگی و نمونه‌های آن رجوع کند؛ زیرا اگر خدا اکنون برای ما بیش از آنچه در آن زمان کرد، نکند، اسرائیل هرگز گرد آورده نخواهد شد. همان قدر ضروری است که حقیقت در یک نشریه منتشر شود، که موعظه گردد.»

erakutsi zidan 1843ko taula haren eskuak gidatua izan zela, eta haren ezein arte»
zatirik ez zela aldatu behar; zenbakiak berak nahi bezala zirela. Haren eskua zenbait
zenbakiren akats baten gainean zegoela eta hura ezkutatzen zuela, inork ere hura ikusi
ez zezan, harik eta haren eskua kendu zen arte»

«سپس در ارتباط با «قربانی دائمی» دیدم که واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و این که خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که ندای ساعت داوری را اعلام کردند. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از 1844، تقریباً همه بر دیدگاه درست «قربانی دائمی» متحد بودند؛ اما از 1844 به این سو، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده است، و تاریکی و سردرگمی در پی آن آمده است.»

خداوند به من نشان داد که زمان از سال ۱۸۴۴ به این سو دیگر آزمون نبوده است، و زمان هرگز بار دیگر آزمون نخواهد بود.

«پس توجه من به برخی جلب شد که در آن خطای عظیم‌اند، که قدیسان هنوز باید پیش از آمدن خداوند به اورشلیم قدیم بروند، و غیره. چنین دیدگاهی به گونه‌ای است که ذهن و علاقه را از کار حاضر خدا، تحت پیام فرشته سوم، منحرف می‌سازد؛ زیرا اگر ما قرار است به اورشلیم برویم، آنگاه ذهن‌های ما طبعاً متوجه آنجا خواهد بود، و امکانات ما از کاربردهای دیگر بازداشته خواهد شد تا قدیسان به اورشلیم رسانده شوند. دیدم که علت واگذار شدن ایشان به افتادن در این خطای عظیم آن است که خطاهای خود را که طی شماری از سال‌های گذشته در آن بوده‌اند، اعتراف نکرده و ترک ننموده‌اند.» Review and Herald, November 1, 1850.

مقطع الكلام يبدأ بالقول: «أود أن أقدم لكم لمحة موجزة عما أراي الرب إياه حديثاً في رؤيا». وقد عرضت عدة موضوعات، ولم تجمع هي بين الفقرة التي تتناول «المحرقة الدائمة» والفقرة التالية لها.

وإنما جرى ذلك لاحقاً على يد المحررين الذين أدرجوا المقطع في Experience and Views، ثم بعد ذلك في Early Writings. وفي Experience and Views، حذف المحررون الفقرات الثماني الأولى، وجمعوا بين الفقرتين اللتين تتناولان ما أُرِيته بشأن «المحرقة الدائمة» وبشأن تحديد الأزمنة. وقد نشرت Experience and Views سنة 1851، ثم نشرت Early Writings سنة 1882.

نوشته‌های آغازین اساساً همان چهار بندی بود که در Experience and Views ظاهر شده بود، اما با یک استثنای مهم. در Experience and Views، بند یک جمله‌ای که به تعیین زمان می‌پرداخت، با بند پیشین که به «روزانه» می‌پرداخت، ادغام شده بود. سپس بندی که در اصل پس از بند مربوط به تعیین زمان آمده بود، گنجانده شد. در Early Writings بندی که از بخشی دیگر در Experience and Views گرفته شده بود، میان بندی که اکنون هم به «روزانه» و هم به تعیین زمان می‌پردازد، قرار داده شد؛ بندی که در اصل پس از آن، بندی می‌آمد که توضیح می‌داد چرا زیارت رفتن به اورشلیم کهن نادرست بود.

پاراگرافی که از صفحه‌ای دیگر از کتاب Experience and Views حذف شد و سپس در بخش مربوط از Early Writings درج گردید، تنها بر سردرگمی درباره «قربانی دائمی» که از سال ۱۸۴۴ آغاز شده بود، افزود. آن پاراگراف در گزارش اصلی خواهر وایت از رؤیایش وجود نداشت.

«خداوند به من نشان داده است که پیام فرشته سوم باید برود و به فرزندان پراکنده خداوند اعلام شود، و اینکه نباید بر زمان آویخته گردد؛ زیرا زمان هرگز دیگر آزمون نخواهد بود. دیدم که بعضی دچار هیجانی کاذب می‌شدند که از موعظه زمان برمی‌خاست؛ پیام فرشته سوم از آن نیرومندتر بود که زمان بتواند به آن قوت بخشد. دیدم که این پیام می‌تواند بر بنیاد خود استوار بایستد، و نیازی ندارد که زمان آن را تقویت کند، و اینکه با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت و کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت به اختصار پایان خواهد یافت.» Experience and Views, 48.

پاراگراف صفحه اُرتالیس از Experience and Views، Early Writings، در سراسر کتاب پس از آن پیراگراف که بعد شامل کیا گیا تھا جو دو مختلف پیراگرافوں کو ملا کر تیار کیا گیا تھا، اور اس نے وقت کے تعین پر ایسی تاکید قائم کر دی تھی جو اصل بیانیے میں موجود نہ تھی.

در سال ۱۹۳۱، مشایخ کهن که بر قوم اورشلیم حکم می‌راندند، داستانی ساختند که مدعی بود دانیلز در سال ۱۹۱۰ با خواهر وایت مصاحبه کرده است؛ و او در شهادتی که ارائه می‌دهد به نمودار ۱۸۴۳ اشاره می‌کند و می‌گوید هنگام گفت‌وگو با خواهر وایت، به آن قدس ناموجود ترسیم‌شده بر نمودار اشاره کرده بود. ظاهراً او کتاب «Writings» Writings را نیز همراه خود داشت، و هنگامی که از او درباره مقصودش پرسید، بر پایه پاسخ‌های او تنها توانست به این نتیجه برسد که آن بخش از «Writings» «Writings» که دیدگاه پیشگامان درباره «daily» daily را تأیید می‌کرد، در واقع هشدار بر ضد وقت‌گذاری بوده است. بیست و یک سال پس از آن مصاحبه بر ساخته و شانزده سال پس از مرگ کسانی که supposedly با آنان مصاحبه شده بود، دانیلز آن شهادت را در تاریخ نسل سوم جای می‌دهد.

ایف. سی. گیلبرت دانشمند زبان عبری بود و صرفاً بدین سبب از دیدگاه درست «دائمی» به عنوان بت‌پرستی پشتیبانی نمی‌کرد که پیشگامان و الن وایت آن را چنین گفته بودند. او از این دیدگاه بر پایه فهمی از متن عبری که دانیال نبی به کار برده بود دفاع می‌کرد. او در آن دوره زمانی، عبری‌دان برجسته ادونتیسست بود. هنگامی که مجادله درباره «دائمی» که دانیلز و پرسکات آن را پیش می‌بردند همچنان رو به گسترش بود، گیلبرت یکی از دانشوران برجسته‌ای بود که در دفاع از موضع پیشگامان ایستاد. او در ۸ ژوئن ۱۹۱۰ با الن وایت دیداری داشت، و بعدها آنچه را که او و خواهر وایت درباره‌اش گفت‌وگو کرده بودند ثبت کرد. شهادت دانیلز به کلی برخلاف شهادت ایف. سی. گیلبرت است.

در جلد بیست، صفحات هفده تا بیست و دو Manuscript Releases، خواهر وایت به موضع دانیلز و پرسکات درباره «قربانی دائمی» می‌پردازد. عباراتی که در گزارش اف. سی. گیلبرت از مصاحبه‌اش با الن وایت می‌یابید، تقریباً عین همان چیزی است که خود خواهر وایت در آن بخش از Manuscript Releases بیان کرده است. بنابراین، سالیان بسیار پیش از آن که Manuscript Releases منتشر و عرضه شود، هیچ شهادت الهام‌شده قاطعی وجود نداشت که ادعای دانیلز را درباره محتوای مصاحبه‌ای که ظاهراً با خواهر وایت داشته است، رد یا تأیید کند. مهم‌تر از آن، هیچ تأیید الهام‌شده‌ای برای دیدگاه معیوب او درباره «قربانی دائمی» وجود نداشت. و مهم‌تر از همه، اکنون که Manuscript Releases در دسترس است، هنوز هم هیچ تأیید الهام‌شده‌ای برای دیدگاه معیوب او درباره «قربانی دائمی» وجود ندارد!

و با این همه، امروز به ادونتیسیم لائودیکیه‌ای تعلیم داده می‌شود که خواهر وایت درباره «دائمی» هیچ موضعی ندارد، جز اینکه این موضوع «مسئله آزمون» نیست و ما باید «در این باره خاموش بمانیم». امروز چیزی وارونه شده است، و آنچه وارونه شده این است که موضع حقیقی «دائمی» اکنون در میان قوم خدا دیدگاه اقلیت به شمار می‌آید. در سال 1910، دیدگاه اقلیت، دیدگاه کنرادی بود که دانیلز و پرسکات آن را پیش می‌بردند، و دیدگاه اکثریت، موضع پیشگامان بود.

ذیل میں سسٹر وائٹ کے ساتھ اپنی ملاقات کے بارے میں ایف۔ سی۔ گیلبرٹ کا بیان پیش ہے، جس کا موازنہ Manuscript Releases سے کیا جانا چاہیے، جسے اس The Book of Daniel سلسلے کے اکیاسویں مقالے میں مکمل طور پر شامل کیا گیا ہے۔

«دانیلز و پرسکات... بہ برادران مسن‌تر در این cause هیچ فرصتی نمی‌دادند کہ چیزی بگویند... دانیلز اینجا آمده بود تا مرا ببیند، و من او را ندیدم... من نخواستم درباره هیچ موضوعی هیچ سخنی با او داشته باشم. درباره «قربانی دائمی» کہ می‌کوشند آن را پیش ببرند، هیچ حقیقتی در آن نیست... وقتی در واشنگتن بودم، چنین می‌نمود کہ چیزی ذهن‌های ایشان را دربر گرفته بود، و من نمی‌توانستم بہ آنان دسترسی پیدا کنم. ما نباید هیچ کاری با این موضوع «قربانی دائمی» داشته باشیم... من می‌دانستم کہ آنان بر ضد پیام من عمل خواهند کرد، و آنگاه مردم گمان خواهند کرد کہ در پیام من چیزی نیست. بہ او نوشته‌ام و بہ او گفته‌ام کہ خود را شایسته ریاست کنفرانس عمومی نشان نمی‌دهد... او آن مردی نیست کہ ریاست را نگاه دارد.»

«اگر این پیام مربوط بہ «قربانی دائمی» پیامی آزمایشی بود، خداوند آن را بہ من نشان می‌داد. این اشخاص در این امر، پایان را از آغاز نمی‌بینند... من قاطعانه از دیدار هر یک از آنان کہ در این کار مشغول‌اند، امتناع می‌ورزم.»

«نوری کہ خدا بہ من عطا فرمود این بود کہ برادر دانیلز بہ اندازه کافی در مقام ریاست ایستاده است... و بہ من گفته شد کہ دیگر درباره هیچ‌یک از این امور با او گفت‌وگویی نداشته باشم. من در این موضوع بہ دیدار دانیلز نمی‌رفتم، و حتی یک کلمہ نیز با او نمی‌گفتم. از من التماس کردند کہ بہ او ملاقاتی بدهم، اما نپذیرفتم... بہ من گفته شد کہ قوم خود را هشدار دهم کہ با این چیزی کہ آنان تعلیم می‌دهند هیچ کاری نداشته باشند... خداوند مرا از گوش دادن بہ آن منع فرمود. من نظر خود را چنین بیان کرده‌ام کہ حتی ذرّہ‌ای بہ آن اطمینان ندارم... تمامی این کاری کہ آنان انجام می‌دهند نقشه‌ای از شیطان است.» گزارش اف. سی. گیلبرت از مصاحبه‌ای کہ الن وایت در ۸ ژوئن ۱۹۱۰ بہ او داده بود.

ہم اس موضوع کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔

«آن کہ بہ زیر ظاہر می‌نگرد و دل‌های ہمہ آدمیان را می‌خواند، درباره کسانی کہ از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، چنین می‌گوید: "ایشان بہ سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خود نہ در اندوہ‌اند

و نه در حیرت. "آری، ایشان راه‌های خویش را برگزیده‌اند، و جان ایشان از رجاسات خود لذت می‌برد. من نیز اوهم ایشان را برخوهم گزید، و آنچه از آن می‌ترسند بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا هنگامی که خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ و چون سخن گفتم، گوش ندادند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به‌جا آوردند، و آنچه را که من از آن خشنود نبودم اختیار کردند." "خدا عمل گمراهی را بر ایشان خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند"، زیرا "محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند"، "بلکه از ناراستی لذت بردند." اشعیا ۳: ۶۶، ۴؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۱۰، ۱۲.

«معلم آسمانی پرسید: "چه فریبی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در واقع، بسیاری امور را مطابق سیاست دنیوی به انجام می‌رسانید و بر ضد یهوه گناه می‌ورزید؟ آه، این فریبی عظیم است، ضلالتی دل‌فریب، که بر اذهان چیره می‌شود آنگاه که کسانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را با روح و قدرت آن اشتباه می‌گیرند؛ هنگامی که می‌پندارند دولتمند شده و بر نعمت‌ها افزوده‌اند و به هیچ چیز محتاج نیستند، حال آنکه در واقع به همه چیز محتاج‌اند."»

خداوند نسبت به بندگان امین خود که جامه‌های خویش را بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییری نکرده است. اما بسیاری فریاد برمی‌آورند: «سلامتی و امنیت»، حال آنکه هلاکت ناگهانی بر ایشان فرامی‌رسد. مگر آنکه توبه‌ای کامل پدید آید، مگر آنکه مردم دل‌های خود را با اعتراف فروتن سازند و حقیقت را آن‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز به آسمان داخل نخواهند شد. هنگامی که تطهیر در صفوف ما واقع شود، دیگر در آسودگی نخواهیم آرمید و به این مباحثات نخواهیم کرد که دولتمندیم و بر نعمت افزوده شده‌ایم و به هیچ چیز نیاز نداریم.

«چه کسی می‌تواند به راستی بگوید: "طلای ما در آتش آزموده شده است؛ و جامه‌های ما به جهان آلوده نگردیده است؟" من دیدم که آموزگار ما به جامه‌های به اصطلاح پارسایی اشاره می‌کرد. آن‌ها را از تن برکند و ناپاکی نهفته در زیر آن‌ها را آشکار ساخت. سپس به من گفت: "آیا نمی‌توانی ببینی که چگونه با تظاهر، آلودگی و گندیدگی شخصیت خود را پوشانده‌اند؟" شهر امین چگونه فاحشه شده است! خانه پدر من خانه تجارت ساخته شده است، مکانی که حضور و جلال الهی از آن رخت بر بسته است! از این‌رو ضعف پدید آمده است، و قوت مفقود است."»

«مگر آن‌که کلیسا، که اکنون با ارتداد خویش در حال خمیرمایه گرفتن است، توبه کند و بازگشت یابد، از ثمره کردار خود خواهد خورد، تا آن‌که از خویشتن بیزار شود. هنگامی که در برابر شرارت مقاومت کند و نیکویی را برگزیند، هنگامی که خدا را با کمال فروتنی بجوید و به دعوت والای خود در مسیح برسد، بر سکوی حقیقت ابدی ایستاده و به وسیله ایمان به کمالاتی که برای او مهیا شده است چنگ اندازد، شفا خواهد یافت. او در سادگی و پاکی خداداد خویش ظاهر خواهد شد، جدا از گرفتاری‌های زمینی، و نشان خواهد داد که حقیقت او را به راستی آزاد ساخته است. آنگاه اعضای او حقیقتاً برگزیدگان خدا، نمایندگان او خواهند بود.» Testimonies, volume 8, 249, 250.